



نگاهی به تازه‌ترین فیلم بهروز شعبانی



دار کوب؛ میاهوی ناکوک

«دار کوب» جدیدترین فیلم بهروز شعبانی، دستاورد تازه‌ای برای این فیلمساز نیست. کارگردان کم‌کار و گزیده کاری که با «دهلیز» همه را غافلگیر کرد و با «سیناور» از ظهور یک فیلمساز حرفه‌ای و متبحر خبر داده بود و حتی «برده نشین» او یک سر و گردن از سایر سریال‌های تلویزیونی بالاتر بود، حال با «دار کوب» در حد یک فیلمساز اجتماعی معمولی ظاهر شده است.

فضاسازی و استفاده درست از قاب دوربین، مزیت اصلی این فیلم است باعث شده تا همچون آثار قبلی شعبانی، سرپا و جان دار به نظر برسد. همچنین صحنه‌های درگیری و تنش در فیلم، واقع‌گرا و باورپذیرند. اما مشکل اصلی «دار کوب»، محوریت یک ایده تکراری و قدیمی است؛ باز هم شاهد فیلمی درباره دعوی دوزن بر سر یک فرزند هستیم؛ «دایره گچی» این بار در یک میزانشناس نابرابر اجرا شده است؛ این بار مارک واقعی یک فرزند، گرفتار در اعتیاد است و مادر خوانده، زنی تحصیل کرده و دارای امکاناتی خوب، وضعیتیت که در آن، برنده از قبل مشخص است!

قرار بوده تصویری متفاوت از اعتیاد آن هم در بین زنان نمایش داده شود. اما عوامل و زمینه‌های سقوط شخصیت محوری فیلم فراهم نشده است و ما دلیل اینکه این زن چرا به این راه رفته را به طور دقیق متوجه نمی‌شویم. به غیر از یک دیالوگ مبنی بر کم‌توجهی شوهر سابق به او! اما این دلیل قانع‌کننده‌ای برای سقوط یک زن عاقل و بالغ و سالم به پرتگاه اعتیاد نیست! در نتیجه، شاهد این هستیم که موقعیتی ملتهم و دردناک در این فیلم، به خاطر عدم مهندسی دقیق و سنجیده درام، سرد و بی‌حس شده است.

«دار کوب» داستان ضعیفی دارد و در نتیجه بخش زیادی از فضای این فیلم با صحنه‌های اضافه و بی‌کارکرد پر شده است. مثل برادر زن معناد و شغل او که کارگری در زیرزمین و تونل‌های مترو است اما هیچ کارکرد دراماتیکی در این فیلم ندارد. دقیقاً مثل نمایش بی‌دری پی‌ارتمان‌های کنار دریاچه و رفتن مهناز افشار در پی زن معناد در پارک‌ها و خیابان‌ها، هیچ بار و ارزشی را به فیلم اضافه نمی‌کند؛ مشخص نیست که یک زن عاقل و تحصیل کرده چرا این‌گونه به میان تبهکاران و معتادان می‌رود؟! ماجراهای فرعی دیگر، مثل دوست باردار زن معناد و سقط جنین او و... نیز بی‌فایده ضعیفی با بدنه اصلی فیلم یافته‌اند و فقط باعث آب بسته شدن به روایت فیلم شده‌اند.

همچنین بازی‌های فیلم نیز، تعریفی ندارند. سارا بهرامی که به خاطر ایفای نقش زن معناد در این فیلم، سیمرغ بهترین بازیگر زن سی و ششمین جشنواره فیلم فجر را گرفت، بسیار اغراق‌آمیز و گاهی تصنعی به نظر می‌رسد. امین حبیبی، شخصیتی بی‌هویت و بی‌جان را نمایش می‌دهد و مهناز افشار نیز بازی یکنواخت و سردی دارد.

نقش مثبت پرس تی‌وی در حمایت از مظلومان جهان

حجت‌الاسلام روح الله حسینیان

در طول ۱۱ سالی که از عمر شبکه پرس تی‌وی می‌گذرد این شبکه به خوبی توانسته بر مخاطبین خود تاثیر بگذارد. همین که غربی‌ها چندین مرتبه پرس تی‌وی را از روی ماهواره‌ها حذف کردند و بر سر راه فعالیت‌های آن سنگ‌اندازی کرده‌اند خود نشانه تاثیرگذاری این رسانه در سطح جهانی است. مسئله مهمی که در دنیای امروز وجود دارد و باید مدنظر داشت این است که جهان پیام انقلاب اسلامی را درک کند و این وظیفه مهم بر عهده شبکه پرس تی‌وی است که صدایی باشد برای رساندن پیام انقلاب اسلامی به گوش جهانیان و اینکه چرا مردم قیام کردند و آرمان حکومت اسلامی چیست؟ مسئله مهمی که باید اصل و مبنای حرکت شبکه پرس تی‌وی قرار گیرد، ساخت و تولید برنامه‌هایی برای تبلیغ اسلام است. در سطح جهان در حالی جنبش‌های معنوی رخ داده که دیگر جوانان از لالایی‌گری و بی‌دینی احساس پوچی می‌کنند و دل مرده شده‌اند. در این شرایط باید اسلام و آموزه‌های تعالی بخش آن را آنچنانکه هست برای این جوانان روشن کرد و نشان داد.

پرس تی‌وی یکی از شبکه‌های مطرح دنیااست که توانسته به خوبی مخاطبان را جذب کند و بینندگان مخصوص خود را دارد و با این حال باید فرآیند مخاطب‌یابی را گسترده‌تر کند. شاید پرس تی‌وی نتواند به لحاظ امکانات با رسانه‌های مطرح دنیا رقابت کند اما به دلیل هدف‌های والایی که از آموزه‌های انقلاب دارد باید رسالت مستقلی را برای خود تعریف کند تا در معرفی اسلام به مخاطبان خود موفق باشد. امروزه پیام انقلاب اسلامی در سطح جهانی مطرح است و توانسته بسیاری از کشورهای ایران، تأثیر فرهنگ و رسوم ایرانی و به خصوص حتی کشورهایی که به بیگانگان مبتلا بوده‌اند را زنده کند و بسج عمومی در سطح جهانی ایجاد نماید. پرس تی‌وی باید این تعریف و هدف‌گذاری خاص را برای خود مشخص و طبق این استراتژی حرکت کند.

همین که کشورهای غربی نسبت به برنامه‌های پرس تی‌وی در حوزه اسرائیل حساسیت نشان می‌دهند، مبین وظیفه، رسالت و نقش این شبکه در این رابطه است. اصولاً امروزه گسترش اسلام و انقلاب و نقش آن را در بسیاری از مسائل و تغییرات در جهان می‌بینیم که در این راستا نباید نقش پرس تی‌وی را نادیده گرفت. انقلاب اسلامی تاثیر خود را داشته و کشورهای بسیاری را تحت تاثیر قرار داده است. همین که در روز قدس برای حمایت از مظلومان فلسطینی، جمعیتی از سراسر جهان پیا می‌خیزند و یا در روز عاشورا دسته‌های عظیم سینه زنی و عزاداری شکل می‌گیرد همه نشان از وجود پرس تی‌وی و تاثیرگذاری این شبکه است. نباید نقش پرس تی‌وی را در حمایت از مظلومان جهان نادیده گرفت.

به نظر جنگ آینده ما نیز تبلیغاتی است و در دنیای امروز رویارویی ایدئولوژی‌ها و جهان بینی‌ها شکل گرفته و پرس تی‌وی در این عرصه، نقش سپاهی آماده و مجیز را دارد که باید نقش استراتژیک و اصلی خود را در دنیا به اجرا درآورد. برنامه‌سازان این شبکه باید برای موفقیت بیشتر و جذب مخاطب واقعتاً برای ایران، تأثیر فرهنگ و رسوم ایرانی و به خصوص مسله حجاب را در تولید محتوا و برنامه سازی در نظر داشته باشند. رسانه‌های معاند ۴۰ سال علیه ایران فعالیت تبلیغاتی سوء داشته‌اند و کشور ما را کشوری عقب افتاده معرفی کرده‌اند. پرس تی‌وی باید در نشان دادن چهره واقعی ایران و ایرانی تلاش نماید و همچنین دستاوردهای انقلاب و ایران اسلامی را در برابر ابرقدرت‌ها تبیین و تبلیغ کند که این مهم، همچنان جای کار بسیاری دارد.

* رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چون گرایش‌های هر قومیت و منطقه‌ای در ایران به گونه‌ای دیگر است. متأسفانه مدیران اجتماعی ما به تنها چیزی که اهمیت نمی‌دهند روانشناسی فردی و اجتماعی مردم است. خودشان نمی‌بینند مردم دارای شعور و معرفت و تحلیل هستند و فکر می‌کنند بر جای درست نشسته‌اند و حرفه‌های درست می‌زنند.

*** یعنی باور شما این است که سلبریتی‌ها به کار هیچ حوزه‌ای نمی‌آیند؟**
به درد حوزه خودشان می‌خورند. هنرمند ما به جایگاهی رسیده که مردم علاقه‌مندند او در عرصه کاری خودش کاربرد داشته باشد. باید عقبه فرهنگی، تحصیلات و معرفتش به کمک جامعه بیاید و جایی مورد استفاده قرار بگیرد. اما بسیاری از به اصطلاح سلبریتی‌ها با این مسائل خیلی فاصله دارند و بیشتر به برداشت سطحی از معرفه‌های ظاهری همساکان خارجی خود می‌پردازند. مثلاً در دنیای غرب، سلبریتی‌ها اولین کاری که انجام می‌دهند این است که بادیگارد می‌گیرند، چون فراهم آوردن امنیت اجتماعی در آنجا یک مقدار به سختی انجام می‌شود و گروه‌های مسلحی هستند که باج می‌گیرند و باج می‌دهند. همان فرهنگ به ایران می‌آید و به یک باره فردی که خیلی سانسناشمه خاصی ندارد چند بادیگارد همراه خودش می‌آورد و از طریق این بادیگارد بازی برای خودش جایگاهی دست و پا می‌کند. این پدیده‌ها با دنیسای هنر و هنرمندی، تناقض‌های چشمگیری دارد.

*** به عنوان حسن ختام این بحث بفرمایید به نظر شما چطور می‌شود با پیشه کردن فرهنگ انقلابی با این بطلان غربی مقابله کرد؟**

من ایستادگی و برخورد را هیچ‌وقت تجویز نمی‌کنم چون عرصه فرهنگ عرصه مقابله عقلانی است. مردم بیشتر دارند و دارای معرفت پنهانی هستند. فرهنگ انقلابی بایستی از رفتار مسئولان و سیاستمداران شروع بشود؛ اول بایستی فورتی و پاکسی را در این‌ها ببینید. مثلاً مردم رفتارهای متواضعانه‌ای را از شهید رجایی می‌دیدند و همین هم آن‌ها را تشویق می‌کرد که با انگیزه و عزم بیشتر و قوی‌تری پشت انقلاب می‌ایستادند.

- با تشکر از شما به خاطر فرصتی که برای این گفت‌وگو به ما دادید.
من هم از شما ممنون هستم.

ندارند که راهی به مردم نشان بدهند و نه قادر به پیشه‌کردن روشن کردن دلی هستند. نه عقبه فرهنگی دارند که با ابتکار و الهام از آن‌ها راه نیکو و خوش نصیب جوانان ما شود. صرف مشهوریت در رسته‌های زودگذر باعث شده‌اند سیاستمداران ما دست به اشتباه بزرگی بزنند و آن‌ها را الگوهای مناسب جامعه معرفی کنند.

*** از پیشست صحنه این پررنگ کردن سلبریتی‌ها بگویند. آدم‌هایی که از مباحث تخصصی صحبت می‌کنند که نظر تخصصی ندارند و البته در عین حال به باور برخی هم در انسجام و وحدت ملی می‌توانند نقش ایفا کنند؛ نظر شما در این باره چیست؟**

اصلاً این طور نیست. انسجام و وحدت ملی نداشتند که راهی به مردم نشان بدهند و نه قادر به پیشه‌کردن روشن کردن دلی هستند. نه عقبه فرهنگی دارند که با ابتکار و الهام از آن‌ها راه نیکو و خوش نصیب جوانان ما شود. صرف مشهوریت در رسته‌های زودگذر باعث شده‌اند سیاستمداران ما که نمود تأثیرگذاری اخلاقی و سبک زندگی در جامعه هستند به سمت و سوی دیگری رفتند که با فرهنگ و آرمان‌های انقلاب ما در تضاد است. اصلاً یکی از دغدغه‌های انقلاب ما، دور شدن از شیوه زندگی غربی و نزدیک شدن به معرفت و هویت دینی و ملی بوده و هست. متأسفانه

حسن شهرت و برخورد با مردم، عدالت‌خواهی و مومن بودن برخوردار بوده‌اند. بنابراین موقعیت‌های سیاسی به تأیید این بزرگان تعریف می‌شد. همان طور که از دوران صفویه به بعد، مراجع بودند. مراجع تقلید و علمای دینی، هم محبوب مردم بودند و هم در میان مردم زندگی می‌کردند و زندگی ساده‌ای هم داشتند. اما امروز برخی از سیاستمداران ما که نمود تأثیرگذاری اخلاقی و سبک زندگی در جامعه هستند به سمت و سوی دیگری رفتند که با فرهنگ و آرمان‌های انقلاب ما در تضاد است. اصلاً یکی از دغدغه‌های انقلاب ما، دور شدن از شیوه زندگی غربی و نزدیک شدن به معرفت و هویت دینی و ملی بوده و هست. متأسفانه

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

چون گرایش‌های هر قومیت و منطقه‌ای در ایران به گونه‌ای دیگر است. متأسفانه مدیران اجتماعی ما به تنها چیزی که اهمیت نمی‌دهند روانشناسی فردی و اجتماعی مردم است. خودشان نمی‌بینند مردم دارای شعور و معرفت و تحلیل هستند و فکر می‌کنند بر جای درست نشسته‌اند و حرفه‌های درست می‌زنند.

*** یعنی باور شما این است که سلبریتی‌ها به کار هیچ حوزه‌ای نمی‌آیند؟**
به درد حوزه خودشان می‌خورند. هنرمند ما به جایگاهی رسیده که مردم علاقه‌مندند او در عرصه کاری خودش کاربرد داشته باشد. باید عقبه فرهنگی، تحصیلات و معرفتش به کمک جامعه بیاید و جایی مورد استفاده قرار بگیرد. اما بسیاری از به اصطلاح سلبریتی‌ها با این مسائل خیلی فاصله دارند و بیشتر به برداشت سطحی از معرفه‌های ظاهری همساکان خارجی خود می‌پردازند. مثلاً در دنیای غرب، سلبریتی‌ها اولین کاری که انجام می‌دهند این است که بادیگارد می‌گیرند، چون فراهم آوردن امنیت اجتماعی در آنجا یک مقدار به سختی انجام می‌شود و گروه‌های مسلحی هستند که باج می‌گیرند و باج می‌دهند. همان فرهنگ به ایران می‌آید و به یک باره فردی که خیلی سانسناشمه خاصی ندارد چند بادیگارد همراه خودش می‌آورد و از طریق این بادیگارد بازی برای خودش جایگاهی دست و پا می‌کند. این پدیده‌ها با دنیسای هنر و هنرمندی، تناقض‌های چشمگیری دارد.

*** به عنوان حسن ختام این بحث بفرمایید به نظر شما چطور می‌شود با پیشه کردن فرهنگ انقلابی با این بطلان غربی مقابله کرد؟**

من ایستادگی و برخورد را هیچ‌وقت تجویز نمی‌کنم چون عرصه فرهنگ عرصه مقابله عقلانی است. مردم بیشتر دارند و دارای معرفت پنهانی هستند. فرهنگ انقلابی بایستی از رفتار مسئولان و سیاستمداران شروع بشود؛ اول بایستی فورتی و پاکسی را در این‌ها ببینید. مثلاً مردم رفتارهای متواضعانه‌ای را از شهید رجایی می‌دیدند و همین هم آن‌ها را تشویق می‌کرد که با انگیزه و عزم بیشتر و قوی‌تری پشت انقلاب می‌ایستادند.

- با تشکر از شما به خاطر فرصتی که برای این گفت‌وگو به ما دادید.
من هم از شما ممنون هستم.

ندارند که راهی به مردم نشان بدهند و نه قادر به پیشه‌کردن روشن کردن دلی هستند. نه عقبه فرهنگی دارند که با ابتکار و الهام از آن‌ها راه نیکو و خوش نصیب جوانان ما شود. صرف مشهوریت در رسته‌های زودگذر باعث شده‌اند سیاستمداران ما که نمود تأثیرگذاری اخلاقی و سبک زندگی در جامعه هستند به سمت و سوی دیگری رفتند که با فرهنگ و آرمان‌های انقلاب ما در تضاد است. اصلاً یکی از دغدغه‌های انقلاب ما، دور شدن از شیوه زندگی غربی و نزدیک شدن به معرفت و هویت دینی و ملی بوده و هست. متأسفانه

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

چون گرایش‌های هر قومیت و منطقه‌ای در ایران به گونه‌ای دیگر است. متأسفانه مدیران اجتماعی ما به تنها چیزی که اهمیت نمی‌دهند روانشناسی فردی و اجتماعی مردم است. خودشان نمی‌بینند مردم دارای شعور و معرفت و تحلیل هستند و فکر می‌کنند بر جای درست نشسته‌اند و حرفه‌های درست می‌زنند.

*** یعنی باور شما این است که سلبریتی‌ها به کار هیچ حوزه‌ای نمی‌آیند؟**
به درد حوزه خودشان می‌خورند. هنرمند ما به جایگاهی رسیده که مردم علاقه‌مندند او در عرصه کاری خودش کاربرد داشته باشد. باید عقبه فرهنگی، تحصیلات و معرفتش به کمک جامعه بیاید و جایی مورد استفاده قرار بگیرد. اما بسیاری از به اصطلاح سلبریتی‌ها با این مسائل خیلی فاصله دارند و بیشتر به برداشت سطحی از معرفه‌های ظاهری همساکان خارجی خود می‌پردازند. مثلاً در دنیای غرب، سلبریتی‌ها اولین کاری که انجام می‌دهند این است که بادیگارد می‌گیرند، چون فراهم آوردن امنیت اجتماعی در آنجا یک مقدار به سختی انجام می‌شود و گروه‌های مسلحی هستند که باج می‌گیرند و باج می‌دهند. همان فرهنگ به ایران می‌آید و به یک باره فردی که خیلی سانسناشمه خاصی ندارد چند بادیگارد همراه خودش می‌آورد و از طریق این بادیگارد بازی برای خودش جایگاهی دست و پا می‌کند. این پدیده‌ها با دنیسای هنر و هنرمندی، تناقض‌های چشمگیری دارد.

*** به عنوان حسن ختام این بحث بفرمایید به نظر شما چطور می‌شود با پیشه کردن فرهنگ انقلابی با این بطلان غربی مقابله کرد؟**

من ایستادگی و برخورد را هیچ‌وقت تجویز نمی‌کنم چون عرصه فرهنگ عرصه مقابله عقلانی است. مردم بیشتر دارند و دارای معرفت پنهانی هستند. فرهنگ انقلابی بایستی از رفتار مسئولان و سیاستمداران شروع بشود؛ اول بایستی فورتی و پاکسی را در این‌ها ببینید. مثلاً مردم رفتارهای متواضعانه‌ای را از شهید رجایی می‌دیدند و همین هم آن‌ها را تشویق می‌کرد که با انگیزه و عزم بیشتر و قوی‌تری پشت انقلاب می‌ایستادند.

- با تشکر از شما به خاطر فرصتی که برای این گفت‌وگو به ما دادید.
من هم از شما ممنون هستم.

ندارند که راهی به مردم نشان بدهند و نه قادر به پیشه‌کردن روشن کردن دلی هستند. نه عقبه فرهنگی دارند که با ابتکار و الهام از آن‌ها راه نیکو و خوش نصیب جوانان ما شود. صرف مشهوریت در رسته‌های زودگذر باعث شده‌اند سیاستمداران ما که نمود تأثیرگذاری اخلاقی و سبک زندگی در جامعه هستند به سمت و سوی دیگری رفتند که با فرهنگ و آرمان‌های انقلاب ما در تضاد است. اصلاً یکی از دغدغه‌های انقلاب ما، دور شدن از شیوه زندگی غربی و نزدیک شدن به معرفت و هویت دینی و ملی بوده و هست. متأسفانه

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

چون گرایش‌های هر قومیت و منطقه‌ای در ایران به گونه‌ای دیگر است. متأسفانه مدیران اجتماعی ما به تنها چیزی که اهمیت نمی‌دهند روانشناسی فردی و اجتماعی مردم است. خودشان نمی‌بینند مردم دارای شعور و معرفت و تحلیل هستند و فکر می‌کنند بر جای درست نشسته‌اند و حرفه‌های درست می‌زنند.

*** یعنی باور شما این است که سلبریتی‌ها به کار هیچ حوزه‌ای نمی‌آیند؟**
به درد حوزه خودشان می‌خورند. هنرمند ما به جایگاهی رسیده که مردم علاقه‌مندند او در عرصه کاری خودش کاربرد داشته باشد. باید عقبه فرهنگی، تحصیلات و معرفتش به کمک جامعه بیاید و جایی مورد استفاده قرار بگیرد. اما بسیاری از به اصطلاح سلبریتی‌ها با این مسائل خیلی فاصله دارند و بیشتر به برداشت سطحی از معرفه‌های ظاهری همساکان خارجی خود می‌پردازند. مثلاً در دنیای غرب، سلبریتی‌ها اولین کاری که انجام می‌دهند این است که بادیگارد می‌گیرند، چون فراهم آوردن امنیت اجتماعی در آنجا یک مقدار به سختی انجام می‌شود و گروه‌های مسلحی هستند که باج می‌گیرند و باج می‌دهند. همان فرهنگ به ایران می‌آید و به یک باره فردی که خیلی سانسناشمه خاصی ندارد چند بادیگارد همراه خودش می‌آورد و از طریق این بادیگارد بازی برای خودش جایگاهی دست و پا می‌کند. این پدیده‌ها با دنیسای هنر و هنرمندی، تناقض‌های چشمگیری دارد.

*** به عنوان حسن ختام این بحث بفرمایید به نظر شما چطور می‌شود با پیشه کردن فرهنگ انقلابی با این بطلان غربی مقابله کرد؟**

من ایستادگی و برخورد را هیچ‌وقت تجویز نمی‌کنم چون عرصه فرهنگ عرصه مقابله عقلانی است. مردم بیشتر دارند و دارای معرفت پنهانی هستند. فرهنگ انقلابی بایستی از رفتار مسئولان و سیاستمداران شروع بشود؛ اول بایستی فورتی و پاکسی را در این‌ها ببینید. مثلاً مردم رفتارهای متواضعانه‌ای را از شهید رجایی می‌دیدند و همین هم آن‌ها را تشویق می‌کرد که با انگیزه و عزم بیشتر و قوی‌تری پشت انقلاب می‌ایستادند.

- با تشکر از شما به خاطر فرصتی که برای این گفت‌وگو به ما دادید.
من هم از شما ممنون هستم.

ندارند که راهی به مردم نشان بدهند و نه قادر به پیشه‌کردن روشن کردن دلی هستند. نه عقبه فرهنگی دارند که با ابتکار و الهام از آن‌ها راه نیکو و خوش نصیب جوانان ما شود. صرف مشهوریت در رسته‌های زودگذر باعث شده‌اند سیاستمداران ما که نمود تأثیرگذاری اخلاقی و سبک زندگی در جامعه هستند به سمت و سوی دیگری رفتند که با فرهنگ و آرمان‌های انقلاب ما در تضاد است. اصلاً یکی از دغدغه‌های انقلاب ما، دور شدن از شیوه زندگی غربی و نزدیک شدن به معرفت و هویت دینی و ملی بوده و هست. متأسفانه

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که از اخلاق حسنه، رفتار نیکو،

ناراحت هستم که مسائل اقتصادی به خانواده‌ام فشار می‌آورد اما چه کنم که برده نفرهای و قاب تلویزیون گرفتار توجه به چهره‌ها شده و این اسپانسرها و تهیه‌کنندگان بی‌هنر و ناگاه نسبت به معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی ذائقه مردم را فقط به سمت مدگرایی و بی‌هنری چهره‌های بی‌چهره کرده‌اند. این نوع پرداخت‌ها همگی برمی‌گردد به الگوهایی که لیبرالیسم در اختیار این اقصا قرار داده است. آن‌ها که از شهرت و محبوبیت گروه‌های مختلف اجتماعی با افتاد در جهت تحکیم مواضع خودشان بهره می‌برند. از آن جایی که متأسفانه ما هم مصرف‌کننده رفتارهای سیاسی دنیای غرب و پیشرفته شرق و غرب هستیم یک الگوبرداری سطحی می‌کنیم. کلمه سلبریتی دو سه سال است که به فرهنگ ما راه یافته و هیچ‌کس نمی‌پرسد که این پدیده‌ها آلوده به ناهنجاری از کجا سر درآورده است. اصلاً توده مردم چه تعریفی از این واژه دارند و اصلاً از مردم بی‌رسید، نمی‌دانند این واژه از کجا آمده و شاید

هم نتوانند بار اول به خوبی آن را تلفظ کنند. این اتفاق را برخی از رسانه‌های زرد پدید آوردند تا این نام، در بین مردم شایع شود.

می‌دانید که در دنیای غرب محبوبیت، خاص هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها و برخی از تجار است اما در شرق و حتی مهد فرهنگ ملی ما از دیرباز به تعبیری سلبریتی‌ها و آدم‌های مشهور و موفق کسانی بوده‌اند که